

زندگی کوتاه شگفت‌انگیز اسکار وائو

خونو دیاس

نادر قبله‌ای

می‌گویند اول با فریاد بردگان از آفریقا آمد و مایه‌ی هلاکت تاینوها^۱ شد؛ هلاکتی که طبق **محمدا** دقیقاً با ویرانی یک دنیا سراغ دنیایی دیگر می‌رفت؛ که شیطانی بود که از درگاه **کیسی** که غرغزکنان رو به آنتیل^۲ باز شد، پا به زمین گذاشت. **فوکو امریکانوس**^۳، یا به **شکی** مصطلح همان فوکو - عموماً گونه‌ای نفرین یا لعنت است؛ و دقیقاً همان نفرین و **لغت** ینگه دنیا^۴. به آن فوکو دریادار^۵ هم گفته می‌شود چون دریادار، هم قابله‌اش بود و هم **یکی** از معروف‌ترین قربانیان اروپایی‌اش؛ دریادار با وجود «کشف» ینگه دنیا، (دیکه)^۶ با **تین** صداهایی از غیب، از سفلیس دچار مرگ مصیبت‌باری شد در سانتو دومینگو^۷، **سزینی** که دریادار بیش از هر جا عاشقش بود (جایی که اسکار، آخر سر، اسمش را نقطه‌ی **صفر** ینگه دنیا می‌گذارد)، اسم خود او مترادف هر دو نوع فوکو، هم کوچک و هم بزرگ، **شد** وقتی اسم او را با صدای بلند بگویند یا حتی آن را بشنوید به معنای این است که بلا را **صوت** کرده‌اید تا به سروروتان بریزد.

مهم نیست اسم یا منشاء آن چیست، ولی طبق باورها ورود اروپاییان به هیسپانیولا^۸ **فوکو** را در دنیا از بند رها کرد، و از آن موقع همه‌ی ما توی این مستراح گیر افتاده‌ایم.

۱. **Taino**: بومیان باهاما، آنتیل بزرگ و شمال آنتیل کوچک که تا پیش از چیرگی اروپاییان بر امریکای شمالی،

۲. **Antilles**: با تلفظ فرانسوی آنتی، گروهی از جزایر در دریای کارائیب که به شکل کمانی از کوبا شروع شده و

۳. **Sancti Spiritus**: جزایر آنتیل کوچک در دریای کارائیب، جامائیکا، پورتوریکو، هائیتی و... هم شامل این

۴. **Sancti Spiritus**: جزایر آنتیل کوچک در دریای کارائیب، جامائیکا، پورتوریکو، هائیتی و... هم شامل این منطقه می‌شوند.

3. Fukú americanus

۵. **The New World**: عنوانی که به طور خاص به قاره‌ی امریکا داده شده.

۶. **Dique**: واژه‌ی لاتین دومینیکنی به معنای از قرار معلوم.

۷. **Santo Domingo**: پایتخت جمهوری دومینیکن.

۸. **Hispaniola**: دومین جزیره از لحاظ وسعت و جمعیت از جزایر آنتیل در دریای کارائیب که بین کوبا در غرب

و پورتوریکو در شرق واقع شده است.

ساتو دومینگو شاید کیلومتر صفر^۱ فوکو باشد، یا دروازه‌ی ورودی‌اش، ولی همه‌ی ما، چه بدانیم چه ندانیم، فرزندان اویم.

ولی فوکو فقط داستانی قدیمی، یا داستان ارواحی از پیشینیان نیست که قدرتی برای ترساندن نداشته باشد. در دوران والدین من فوکو مثل هر آت‌و‌اشغالی واقعی بود، مثل چیزی بود که شخصیت هرروزه‌تان باورش داشت. همه یک نفر را می‌شناختند که فوکو او را خورده باشد، درست همان‌طور که یک نفر را هم می‌شناختند که خودش را به پالاسیو^۲ رسانده بود. می‌شد گفت، مثل مهم‌ترین چیزهایی که در این جزیره وجود داشت، توی هوا شناور بود، نه مثل چیزهایی که مردم درباره‌اش حرف می‌زدند. ولی در آن دوران قدیم، فوکو شأن و منزلت خوبی داشت؛ حتی می‌شد گفت مثل کشیشی بلندپایه، مخاطبان را به وجد می‌آورد. مثل دیکتاتور مادام‌العمر آن زمان ما، رافائل لئونیداس تروخیو مولینا^۳. هیچ‌کس نمی‌داند تروخیو خادم این نفرین بود یا اربابش،

۱. در بسیاری از کشورها کیلومتر صفر به مکانی، معمولاً نقطه‌ای از پایتخت، گفته می‌شود که فاصله‌ی دیگر نقاط کشور از این نقطه سنجیده می‌شود.

۲. Palacio: کاخ، اینجا منظور کاخ ریاست‌جمهوری است.

۳. Rafael Leónidas Trujillo Molina: برای شما که دو نایب تاریخ اجباری دومینیکن را فراموش کرده‌اید: تروخیو، یکی از رسواترین دیکتاتورهای قرن بیستم، بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۱ با وحشیگری ظالمانه و کینه‌توزانه‌ای بر جمهوری دومینیکن حکومت می‌کرد. تروخیو مولانو (اسپانیایی؛ به معنی دورگه-م) هیکلی دگرآزاری با چشم‌هایی شبیه خوک بود که پوستش را سفید کرده، کفش‌های کف‌ضخیم پا می‌کرد و عاشق لباس‌فروشی‌های مردانه‌ی عصر ناپلئون بود. تروخیو (که به او ایل خیفه، قوری دزد بازنده، و بی‌ریخت هم می‌گفتند) با ترکیبی قدرتمند (و آشنا) از خشونت، ارباب، قتل عام، تجاوز، و انتخابات تحمیلی، کنترل تقریباً تمام جنبه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی در جمهوری دومینیکن را به دست گرفت و طوری با کشور رفتار می‌کرد که انگار مزرعه است و او اربابش. در نگاه اول، او برای شما نمونه‌ی کودبو (اسپانیایی؛ به معنای رهبر-م) امریکای لاتین بود، ولی قدرتش چنان لایتهای بود که تا حالا مورخان و نویسنده‌های اندکی توانسته‌اند آن را درک کنند یا، طبق نظر من، تصورش کنند. او ساتورون ما، آراون ما، دارک ساید ما، دیکتاتور همیشه و ابدی ما بود، شخصیتی چنان عجیب، چنان منحرف و چنان ترسناک که حتی هیچ نویسنده‌ی علمی‌تخیلی‌ای نمی‌توانست چیزی درباره‌ی او بنویسد. به این شهرت داشت که **تمام اسامی تمام نقاط مهم** جمهوری دومینیکن را به اقتضای خودش تغییر داد (پیکو دوآرته، شد پیکو تروخیو، و ساتو دومینگو د گوزمن، اولین و قدیمی‌ترین شهر ینگه دنیا، شد سیوداد تروخیو)؛ به این شهرت داشت که از هر تکه‌ی میراث ملی امتیازی انحصاری واگذار کرد (که خیلی سریع او را یکی از ثروتمندترین مردان روی زمین کرد)؛ به این شهرت داشت که یکی از بزرگ‌ترین ارتش‌ها را در اقلیم امریکا ایجاد کرد (فقط به این توجه داشته باشید که رفیق‌مان بمبافکن هم داشت)؛ به این